



فیسوان مشروط!

چهره زن در طنز مشروطه



رویا صدر

زن در طنز مشروطه، چهرهای دوگانه دارد. چهرهای برزخی و معلق میان سنت و مدرنیته. میان آنچه در چهار چوب مناسبات فرهنگی و اجتماعی جامعه سنتی شکل گرفته و آنچه پیامد آرمانخواهی مشروطه است. در این دوره است که شکل بندی و نوع پر خورده با مسائل جنسیتی در طنز دستخوش تحول می شود. تحولی که در گذر از تکرار آبرازی و هجو آمیز، به طرح انتقادی هویت و جایگاه زنان می رسد و از مؤلفه های اصلی اقتصاد اجتماعی حرکت مشروطه به شمار می آید. این تحول در دهه گریزی خانگی، نگاه اجتماعی و جنسیتی طنز ریشه دارد. اگر تا پیش از این تاریخ، طنز نویسی، رنگ تعین داشت، که یا از سوی خواص یا برای خواص و حکام آفریده می شد. در مشروطه، طنز بیشتر هنر طبقه متوسط است که هر بی آشنایی با حقوق و آزادی های جوامع مدنی در غرب و بر خورداری از نگاه نو به شیون سیاسی و اجتماعی، در مسدود ارائه اندیشه های خود به مردم است. از این رو طنز این دوره، رنگی تجدید طلبانه دارد. زورناهیستی است و مخاطب عام را هدف قرار می دهد. مسائل مردم را باز می گوید و نقشی که پیش کار کرد گرایانه در طرح و پی چوبی اندیشه های تجدید طلبی می یابد. میرزا فتحعلی آخوندزاده که اولین نظریه پرداز این جریان به شمار می آید در ۲۵

مارس ۱۸۷۱ (تقویم روسی)، در نامه ای به میرزا جعفر مسترجم اثر خود (تعمیرات) می نویسد که تمایز حج و مواظف در بهترین صورت تاثیر چندانی در اصلاح جامعه و اخلاق مردم ندارند و می افزاید همه تجارب حکم های یورپا و به بر همین قلمبه به ثبوت رسیده است که قبایح و ذماتیم را از طریق دست پش بره هیچ چیز قلع نمی کنند مگر کربتیکا و استهزا و تمسخر و هم لو هدف از لنگارش آثار طنز آمیز را تهدیب اخلاق می باشد (آخوندزاده، ص ۲۰۶). در این میان، توجه به مسائل زنان، به عنوان یکی از اندیشه های محوری عصر روشنگری به ره پیکی از کلیه موازیمهای آثار طنز تبدیل می شود. دغدغه برابری خواهی زنان که امداد آندیش به مدرنیته رسیدن است. پیش از آنکه استبداد سیاسی را نشانه روده در بی ستیزش با بنیادهای فکری فرهنگ سنتی جامعه است و قالب چالش با استبداد فکری متحجران را دارد. این امر، یکی از تفاوت های مهم طنز مشروطه با آثار طنز آمیز پس از این دوره، در برخورد با مسائل زنان است.

نقد دوسویه در برخورد با مسائل زنان جامعه مشروطه، اگر چه دغدغه مدبرانه است چون دارد ولسی هنوز اندیشه های دگرگون سازی موفقیت زنان در آن مهین نشده و روند نوگرایی در آغاز راه است. شیوه آموزش، روابط قدرتی و خانوادگی و امر قضا، برخاسته از باورها و هنجارهای فراترنگاری

زنان است. از این رو پرسوئال های زن در آثار طنز نویسی های عصر مشروطه، با اچسانی دوسویه مواجهند. یکی از سوی بخشی از فرهنگ جامعه، که زنان را به عنوان جنس خوم وسیله بهره برداری می دانند و دیگری از سوی فرهنگ قدرتی که راه آموزش و ارتقای فکری را بر زنان می بندد. در آثار برجسته طنز این دوره، زن ایرانی موجودی است خرابی، ساجدان و سنا گله به ابتدایی ترین دستاوردهای دانش و فرهنگ نام و کهن که این جنس، مقدمه اجاجاتی بر او از سوی مردان نیز هست. این است که می بینیم در برجسته ترین آثار طنز این دوره، چهره زن پرتند و دهخدا، زن «کمینه امیرالجمالی» است که وقتی فرزندش بیمار می شود، فکر می کند چشم خورده و برای شوخاگردن، پیش رمال می رود. زنی که طای است و اعتقاد دارد سلسوار مرده که دوتا شده به فکر زن شو می افتد و از این رو، ناشوهرش سرکار می رود، زن های همه سایه را صدا می زند تا خوش گذرانی کند و لب به مال شوهرش بندد.

آثار دیگر طنز نویسندگان این دوره نیز از این نگاه متناظر است. آخوندزاده در حکایت هموسی زورخان حکیم نهائات و مستحلی شاه مشهور به چلوگر، پرسوئال های زن تمایش را دست به فلان جادو و جنیل می کند تا شهر پاریس را خراب و ویران کنند و نگذارند نامزدشان به

فرنگ برود (ملک پور، چمشید، ص ۱۲۱). اگر هم زن در آثار طنز بر موقیتهای برابری با مرد قرار دارد، دست به دست او می دهد تا ویران سازد و خرابی کند. میرزا آقا تهریزی در پرده دوم از نمایشنامه هتریفه حکومت زمانخان «سز گذشت دهانی قاسم و کیم کیم» برای بازتاب فساد ناداری عصر ناصری از چنین تصویری کمک می گیرد. فراتر از این طریق کوکب زنی که اخلاق درستی ندارد. کسی می کند یکی از تاجرهای بزرگ را به دام بینازده ناقدری رشوه بگیرد.

یک استثناء و دهها قاعده! نگاه فردستانگار به زنان، در حالی است که سال پیش از شکل گرفتن مشروطه، زنی به نام فاطمه استرآبادی، برای اولین بار با رساله همایان جلال، در دفاع از حقوق زنان به عرصه طنز آمده و بافت جنسیتی طنز نویسی را دگرگون ساخته است. استرآبادی، زنی از طبقه متوسط، در پاسخ به رساله «تادیب انسان» نوشته یکی از شمارزادگان قاجار، که در مذمت زنان نوشته است، رساله ای می نویسد در دفاع از زنان، با عنوان همایان جلال، او در این رساله در برابر مردانی که به تعبیر طنز آمیز او «تیم و بلیه» هم نیستند چه پرسند به اینکه همسوی بلیه باشند، نوشته است: «هیچاره زنان که از هر طرف بدیشان می نازند، شعرا هجایی نمایند، عقلا و ادبایش زبانی می زنند و اشعار راضیحت می گذارند

وراه فضیحت می سپارند» (چوادی و دیگران ۱۳۷۱، ص ۱۱۲).

با این حال، استرآبادی به عنوان استثنایی در طنز معاصر می ماند و وظیفه دفاع از حقوق زنان را سرذاتی طنز نویسی عهد حاضر می شنود که از رهگذر انتقاد از جایگاه فرهنگی، خانوادگی و حقوقی زنان به همدلی با آنها می رسد. چند همسری، حضانت و استاهاهم در کنار طرح نظرات برابری خواهانه برای زنان - حجم قابل توجهی از مطالب طنز دوره مشروطه را تشکیل می دهد. در این میان، باید میرزا فتحعلی آخوند خنده را با ۶۱ مقاله پندنامه کمی پیش - که با عنوان «مشوالات» چاپ شده است - آغازگر شمرد. او در آثار خود، برای اولین بار جایگاه اجتماعی زن و حقوق او را در جمله عقیقه نامه فتوای روزگار خود در تشریح «وزیر خان لنگران» مطرح می کند که در آن زنی برای نخستین بار در طنز مذکور ایران، اقتدار از خود نشان می دهد. از انطباق نظام فتوایی سرباز می زند و از انتخاب می گوید. زنی که آخوند خنده در این تشریح و تمثیلات دیگر ترسیم می کند از مستثنیات چهاره های زنان در طنز شمرده می شود (ملک پور، چه شبیه ص ۱۲۱). در همین زمینه باید از قطعه زیبای قندپون در چرخدیزد دهخدا نیز نام برد که به لطیف ترین شکل، بی پنداری و آساید پیچیدگی عاطفی و روحی زنان را در محیط خشوده به تصویر کشیده و سواد مستفانه از قویترین مذهبی را نقد کرده است. سایر طاهرزاده شاعر ذریه ملا نصرالدین - بسیاری از اشارات را با همین مایه سروده است. مردان اشعار او زن گرفتن و طلاق دادن را جزء اختصارات خود می دانند و به پیروی از اجساد خود به سادگی لباس عوض کرده، زن عوض می کنند. در شعر «ای داد و پستاند ار دیل»، یک ار دیلی تازه به پا کرده و آن دین زن های بی حجاب مات و مبهوت شده و از اینکه یک عمر بی پوده به دور از چنین نعماتی (۲) به سرب برده آفسوس می خورد.

می به با کویم کنوی، با کونگو، یک خلد زار
خاصه ساحل هات الحق لیتستان تنار -
تخته و طره، تمش می سرو از اهر دیل
از تو نامرد نمایم یاز اگس یاد ار دیل
(صبا، طاهرزاده، ص ۲۲۷ ترجمه فارسی
صص ۲-۳) ۲۸۲

در شعر «مارش پیران» - از همین شاعر -

پیر مردی مباحث می کند که هر شه [زن در
خانه دارد. در اشعار سایر بیشتر مردان مورد
انتقاد قرار می گیرند و مدح عقیقه دگی و
چهل زنان شمرده می شوند. یا این همه زنان
خرافی و جاهل تیز از نیش زبان او در آمان
نمی مانند (صباح مضحک پیرزنان به زنان
چوان در باره آیین شوهر داری و رفتار نادرست
مادران در تربیت فرزندان، مثال هایی از این
قبیل هستند).

طنز؛ دید تراز شمشیر شمسرا

در این میان، راهکارهایی که طنز مشروطه
از رهگذر نقد جایگاه زنان به آن می رسد،
اصالتی انقلابی و مستشرقانه دارد که
بنیان های فکری و اعتقادی حاکم راه چالش
می کند و به علت مستیزش با اقتدار سنتی یا
عکس العمل مواجه می شود.

با پیروی مشروطه، بسیاری
از گروه های اجتماعی تجنی
تشکیل می دهند و تنی چند
از بانوان تهرانی نیز به تاسیس
انجمن مساوات می کنند که
مورد اعتراض نه تنها مخالفان
مشروطه بلکه حتی پارهای از
مشروطه خواهان قرار می گیرد
و مسئله در مجلس شورای
ملی نیز مطرح می شود. در
همین دوره، نخستین مدرسه
دخترانه به همت بی بی خانم
استرآبادی در تهران دایر

می شود. این اقدام اعتراض برخی علماء را در
پی دارد. به گفته آبان «افتتاح مدارس تربیت
نسوان و دبستان دوشیزگان در زهدت لاهجه
منکرات و اشاعه فاحشه خانه فلاندا می شود
میرزا علی اکبر دهخدا در نقد این جریان، در
ستون «چرند و پرند» روزنامه مورسراذیل
می نویسد:

همین مدتها بود می گفتیم: بین ما این
همه امرای انبیا و حکما و مردمان بزرگ دنیا
به تربیت زنان، چه علت دارد که زنی های ما
چندین دفعه جمع شده عرضه ما به مجلس
شورا و هیات و ررا عرض کرده و با کمال عجز
و الحاح، اجازه تشکیل مدرسه به طرز جدید
و تربیت انجمن نسوان خواهند و هر دفعه
و کلا و وزرای ما گذشت از اینکه همزای
نکردند، شدت نمودند؟ در این باب خلی
فکرها کردم و خیلی به دره گودال ها رفتم و
در اندم؛ عاقبت فهمیدم همه اینها برای این

است که زن های ایران یعنی مادر های ما -
اعتقاد کاملی به دیزی از کار مر آمده دارند
و کلا و وزرای ما خوب می دانند که اگر
حلقه های ایرانی دور هم جمع شوند، مدرسه
بنا کنند انجمن داشته باشند و تعلیم و
تربیت بشوند کم کم خواهند فهمید که
دیزی های پاک و پاکیزه بهتر از دیزی هایی
است که با انگشت دوده در پشت و یک وجب
چربی ۵۳ ساله در فر و دیوارش باشد. (ص
اسرافیل ش ۱۱، ۱۱ جمادی الاولی ۱۳۲۴).

در ادامه این مطلب، مشخص می شود
که نویسندگان در حقیقت موضوع انجمن و
مدارس نسوان را دستمایه قرار داده است تا
از رهگذر طرح آن در ادامه مطلب به طرح
مسئله بازمانده های قوای استبدادی پیردازه
و بازماندگان استبداد راه هدیزی
از کار در آمده تشبیه کرده

طنز مشروطه در عرصه مسائل زنان طنزی انقلابی است ولی در عرصه مسائل زنان رویاری با استبداد فکری را مد نظر دارد.

است ولی این مطلب در هر حال
رنگ هواداری از پیشرفت و رشد
بهدای مدنی بانسوان و مدارس
دخترانه را نیز دارد.
با توجه به حساسیت های
موجود، طبیعی است که ورود
طنز این حوزه به این گونه مسائل،
بازتاب های گسترده و گاه
مسئله سازی نیز داشته باشد.
جلیل محمدقلی زاده - سردبیر
ملا نصرالدین - در یادداشت های
خود می نویسد: «روز می که در

یکی از شماره های مجال دوم مقاله ای درباره
آزادی زنان نوشتیم دوستان صحبتیم کردند
که در کوچه و بازار آفتابی نشوم زیرا در
شیطان بازار، دکان ها را بسته و مردم خیال من
راه افتاده اند از این پور، بی بی ج ۲، ص ۲۲۴.
اینجاست که نشریه ملا نصرالدین از سوی
علمای تبریز و مجتهدین نجف - جزء لوراق
شاه شمرده و اعلام می شود که نوشته های
این روزنامه کفر آمیز و از شمشیر شمر بدتر
است.

با توجه به مقدمات فوق، می توان گفت
طنز مشروطه، در عرصه مسائل زنان، طنزی
انقلابی است ولی در این میان، گرچه طنز این
دوره استبداد سیاسی را نشانه می رود ولی در
عرصه مسائل زنان، رویاری با استبداد فکری
را مد نظر دارد و تاکید بر کسب علم و مبارزه
با جاهل و تأخراری از سوی زنان و کسب حقوق.
آنها شعار محوری آن است. ویژگی دیگر این

طنز، نظر گاه نویسندگان آن است. با توجه
به اینکه حرکت تجدیدطلبی در کسب الگو و
ارائه راهکار گوشه چشمی به مدرنیسم غربی
دارد و رویکرد به جایگاه و پایگاه اجتماعی
زنان غربی دستمایه بسیاری از مطالب طنز
و جد این دوره در هواداری از حقوق زنان
است. اینجاست که می بینیم میرزا فتحعلی
آخوند خنده در نقد کتاب «یک کلمه»
میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی،
هر قانونی که موقیبت فرودین زن را بیذیرد
شرح راه چالش می کند. این نوع نگاه اگر چه
پایه حرکت تجدیدطلبانه نویسندگان این
دوره از تاریخ معاصر است ولی با این حال
به تناسب نوع نگاه و اعتقاد نویسنده شدت
و ضعف دارد. در اینجاست که می بینیم میرزا
اشرفالدین گیلانی - که پای در سنت دارد
- در رویارویی با نوجویی مشروطه، به تلتیق
این دو نگرش دست می زند و در مسائل
زنان، به نگاهی اصلاح طلبانه و آستی جو در
هنگامه رویاری سنت و مدرنیته می رسد و
نوجویی و نوگرایی را در تلازم با گر نه پند
و ارزش ها و باورهای دینی می داند.

از این رو، در مجموع می توان گفت بر خورد
طنز با مقوله زن در دوره معاصر، در حقیقت
آینه ای است که به تمکس لایه های پنهان
و آشکار رفتارها و هنجارها در گستره عرف
می پردازد و با رویکردی در دشمنانه ایجاد
فرهنگی و اجتماعی موقیبت زنان را بررسی
می کند. بسته به نوع نقدیسه و نگاه طنز
نویس، به ارائه راهکار می پردازد.

فهرست منابع:

- کتاب های چاپی: ۱۳۵۱
- «تاریخ معاصر ایران» جمشید ملک پور، انتشارات
نوس، ۱۳۲۸.
- «تاریخ معاصر ایران» فتحعلی آخوند خنده، به
تألیف جمشید ملک پور، انتشارات نوس، ۱۳۵۷.
- «مجموعه آثار میرزا یوسف خان مستشارالدین»، احمد خانی،
۱۳۶۵.
- «تاریخ طنز در ادبیات فارسی»، حسن چوادی، انتشارات
گاران، چ ۱، ۱۳۸۴.
- «تاریخ مشروطه ایران»، احمد کسروی، چاپ شازده
تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۷.
- «مصلحان و رجال» (به سراد نادب استخوان)، بی بی خانم
استرآبادی، به کوشش حسن چوادی و نیزه مرهشی،
آمیریکه کانون پژوهش تاریخ ایران، ۱۳۷۱ (۱۳۳۱)
مشاهد.
طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت فاروق
خانی، نامه فرهنگستان، دوره نهم، شماره اول، بهار
۱۳۶۵، صص ۲۲-۲۳.



در باب راه رفتن و غذا خوردن زنان (بخش هایی از کتاب معایب الرجال)

فصل پنجم در راه رفتن زنان گفته که زن باید قدم ها را آهسته بردارد و سخن را نرم و ضعیف بگوید
مثل کسی که از ناخوشی بر خسته باشد. بلی این زن از برای مردی خوب است که امیر کبیر باشد
یا خوشخور و شریر مرد هزار نکته گیر و کز خلمه ها همه مرده و بیرون خفته وزن هم عقیقه نه کار
خانه و نه اولاد نه تاجداده نه شغل شایسته و روزگاره عقیقه مواظبت مرد نماید و مرد هم باهل عیش
نیلند یلانگ هم باشد در بیرون خانه عیش نماید. و از این بیچاره مردم رعیت با این همه کز های
بسوار مشکل و دشوار باید طرف میل مردم هم باشد. چگونه می تواند این قسم رفتار و مواظبت نماید؟
چون عبد ذلیل در خدمت رب جلیل، خواندند منان این قسم تکلیف مالا یطقی به پندگان نغمه مرده
که این مری جدید به نسلون می فرماید گویا این مرده تمام عالم را مثل خود فرس نموده و به اندازه
وضع خیالات خود تربیت زنگلی و دستور العمل به اهل عالم می دهد. شکر الله مساعی کم مردم
مختلفند و رای ها و طبایع متخالفند در ساریقه و طبایع متضادند در خلقت و طهارت همه رایه یک
چوب نمی توان رفت قانون شرع مگر بیچینه و از کون تسمن بر چیده استساقیت تمام تربیت پالمه در
اصنام که چه یک نفر پیدا شده به خیالات موهومه که مخالف تمام قوانین ملل و دول است. مهملائی
بر هم ریخته و هیچ یک را از ما غنی نیافته استساق را آتاد بیستونان «نهاده و بنای تربیت گذارده
خلت نایافته از هستی بخش آکی تواند که شود هستی بخش
اگر بنای ایراد گیری از زنان باشد تمام هترها عیب گردد
اگر ناطقی طبل بر پای های لوگر ساکنی نقش گرمایانی
اگر چون ملکه بر یزی زاسلمان لیه دامن در آویز بدت بد گمان
ولی اگر مقام اصناف و مروت و لغت و محبت باشد
یک هنرش بینی و هفتاد عیب لوست نیبند به جز آن یک هنر
بیچاره زنان که از هر طرف دیده ثانی می تازند شعر اهاجی نمایند عقلا و ادیبانش زین می زنند و

استمش را نصیحت می گذارند و راه فضیحت می سپارند در همچو زمینی و چنین لوثی که بر هر عاقلی
واضح و لایح است کتاب هتاد بیستونان «هم پیدا می شود قوز بالای قوز و در بالای می دمی گذارند
با وجود این می گویند هر از زن به فدای یک مرد اگر کفایت است
بگوید اللهم اتمم یوم الحرج و تجلی فی العرج
فصل ششم در غذا خوردن زنان است. چنین گفته که باید زن در سر خوان و در زیر سفره نان
دوز نشیند و سه انگشتی غذا بخورد و حرف نزند و صدان کند و جواب کسی را نکند یعنی لال بازی
هر آرد از روی مروت و انصاف بنگرید زمانی که با چندین طفل کوچک و بزرگ بر سر خوان و سفره
نان این قسم رفتار میان نماینده دیگر آن اطفال بر سر آن سفره ظرفی باقی می گذارند یا فرست
به کسی در غذا خوردن می دهند؟ اگر زن ساکت باشد آن بچگان کاسه خورش را در افشرد و بزند
و یا افشرده را بر سر پلو تار کنند. زن هیچ نکند با برود پیش سر را بگذارد در گوش بچه بگوید
با بیاری به فریاد آرم بگیر و بشین حرف مزین اطفال زندگانی را بر او و مرد او حرام و طعام را تمام
می کنند. باید زن و مرد با همی اطفال خورد گرسنه بمانند و ظروف شکسته بلی. اگر یک مرد یا
یک زن به رسم فرنگ بروند در مهمانخانه شاید بتوانند به دستور العمل او رفتار نمایند. اما فرنگ
از فرار جنر ایجابی نازخی و سیاحتنامه های اسم مختلفه تمام زن های نجیب تربیت شده عالم به
چندین علم در سر میز با مردان اجنبی می نشینند و وقت رقص دست مردان اجنبی را گرفته
می رقصند. اما آداب دین اسلام دیگر است. زن های ایران تمام گرفتار خانه داری و خدمتگزاری
می باشند علی الخصوص زن های رعیت مصنف ملایقه شخصی خود را دستور العمل قرار داده
چنانچه گفته زن باید از شوهر دور بنشیند. این هم همان فرض خدمتکاری است که پیش خود
خیال کرده ملایقه کمینه عرض نمود و الا لغت و محبت و عاشقی و معشوقی با این رسم و این
قسم اختلاف کلیه دارد که به هیچ قسم تصور نمی توان نمود. خواندند هوش گرامت فر مایند